



یکشنبه ۱۳ مهر ۱۴۰۴

وطن امروز | شماره ۴۲۲۸

فرهنگ و هنر

به عبارت دیگران

مرحوم الهی قمشه‌ای و عشق

پیری

همان‌طور که خنده صادق و کاذب وجود دارد، گریه صادق و کاذب هم وجود دارد. گاه انسان با یک طزن ادبی ظریف می‌خندد که خنده‌ای صادق است، گاهی هم با قلقلک می‌خندد که کاذب و بی‌ارزش است. گریه هم این‌گونه است: گاه انسان برای مظلومیت امام حسین(ع) گریه می‌کند، گاهی هم با مارش عزرا، بی‌آنکه متوفاراً بشناسد، اشک می‌ریزد که اشکی کاذب است.

موسیقی ممکن است چنین خطری داشته باشد؛ یعنی اشکی کاذب به همراه بیابود و ما خیال کنیم در عقل عملی ما نرمش ایجاد کرده است. این مشکل موسیقی‌های به‌اصطلاح «عرفانی» است. سایر موسیقی‌ها هم مسلماً مُخَرَّب و مُخَرِّدند و موجب تافرمائی «عقل عملی» از «عقل نظری» می‌شوند و انسان را در دام گناه می‌افکنند. مرحوم الهی قمشه‌ای می‌فرمود: من شعری درباره نیازدن مور سرودم که برخی آن را از شعر جناب فردوسی ظریف‌تر می‌دانند.

فردوسی فرموده است: میازار موری که دانه کش است که جان دارد و جان شیرین، خوش است و مرحوم الهی قمشه‌ای می‌فرماید: هر کس که دلی دارد، یک مور نیازدار کان مور هم از دلبر، دارد اثری بر دل سپس فرمود: «زمانی به خراسان رفته بودم و در آنجا با انجمن امتی خراسان ملاقاتی داشتم. در آن دیدار ۲ غزل از خود به آنها تقدیم کردم تا در این باره که کدام غزل از جوانی و کدام یک در پیری سروده شده، داوری کنند و آنها کاملاً وارونه داوری کردند. گفتند: پس چرا شور و عشق در سروده ایام پیری شما بیشتر است؟! گفتیم: باید به همین صورت باشد. شاعر هر چه پیرتر شود، عاشق‌تر می‌شود. در جوانی شور و عشقی خام دارد و در پیری می‌فهمد که معشوق حقیقی کیست».

انسان هر چه بالاتر می‌رود، حرف‌هایش عاشقانه‌تر و شورانگیزتر می‌شود. آنگاه همان‌طور که در قدم نخست «نواختن» را رها کرد، در گام بعدی «خواندن» را هم کنار می‌نهد. البته خواندن، اگر غنا نباشد، از بهترین نعمت‌هاست. اگر می‌خواهید در بهشت از صوت خوش داوود (قاری بهشت) بهره‌مند شوید، باید از گوش خود مواظبت کنید تا هر چیزی را نشنود. در این صورت در گام سوم به جایی می‌رسید که وقتی اشعار یا مطالب اخلاقی عرفانی را مطالعه می‌کنید، اشک از دیدگان‌تان جاری می‌شود.

عبدالله جوادی آملی
نسیم‌اندیشه
مرکز نشر اسراء
جلد ۱، صفحات ۱۱۹ تا ۱۲۱

تأثیر گذار تر از حرف معلم

بله! ممکن است یک معلم در کلاس سخنان خوب و جالبی بگوید؛ ولی مساله این است که پیش از «حرف‌ها» این رفتار و عمل ما است که روی دیگران تأثیر می‌گذارد.

معلم باید اعمال خود را کنترل کند و توجه داشته باشد که طرز راه رفتن او، خندیدن، لباس پوشیدن، نوع آرایش و شکل تفریحات و حتی طرز نگاه کردن او، در شاگرد تأثیر می‌گذارد.

علی صفایی حائری
تربیت کودک
موسسه فرهنگی لیل‌القدر
صفحه ۱۰

هوشمندی

و کیاست حاج سیداحمد

افکار عمومی فرانسه به‌تدریج به شکلی درآمد که دولت فرانسه مجبور به آزادسازی مصاحبه‌ها شد. یکی از مهم‌ترین این مصاحبه‌ها، مصاحبه با صداسیما فرانسه است که فیگارو آن زمان با پرداخت ۵۰۰ هزار تومان این مصاحبه را از رادیو تلویزیون فرانسه خریداری کرد.

پخش آن نیز بشدت مأموران عراقی را عصبانی کرد. این موضوع در درخواست دولت عراق برای خروج امام از این کشور تأثیر گذار شد. فراهم آوردن چنین مصاحبه‌ای دور از چشم مأموران عراقی و به انجام رسانیدن آن، از انسان هوشمند و زیرکی همچون سید احمد آقا ساخته بود.

سیدسعید غفوری سبزواری
مشاور امین
انتشارات انقلاب اسلامی
صفحه ۱۱۳

پرشش

شخصی حبیب عجمی را پرسید: رضا در چیست؟ گفت: در دلی که غبار نفاق در او نبُود.

فریدالدین عطارنیشابوری
تذکره‌الاولیا
صفحه ۵۳

حضرت امام حسین(ع):

کسی که با نیرنگ و معصیت خدا، در پی به‌دست آوردن چیزی رود، کمتر به آنچه امید دارد می‌رسد و زودتر به آنچه می‌ترسد، دچار می‌شود.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
مدیر‌عامل: رضا شبکیایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی



نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۲۷۹۲ | تلفن: ۶۶۴۱۲۷۸۲ | فکس: ۶۶۴۱۲۷۹۲
پيام‌رسان: vatanemrooz.ir | پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌چم پرتو برنا | توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

مروری بر برجسته‌ترین آثار آسیب‌شناسانه سینما درباره فضای مجازی به بهانه اکران «گوزن‌های اتوبان»

همنشینی جذابیت و خطر

از ناکامی در این حوزه می‌پردازیم که اکران آن اخیراً آغاز شده و در جذب مخاطب موفق نبوده است. سپس به معرفی و بررسی ۸ فیلم و سریال برجسته جهانی می‌پردازیم که با رویکردهای متنوع و هوشمندانه، از تأثیرات شبکه‌های اجتماعی گرفته تا تاریکی‌های فرهنگ دیجیتال را به تصویر کشیده و توانسته‌اند در این زمینه استانداردهایی ماندگار خلق کنند.

عمق تحلیلی، نه‌تنها نمی‌تواند چالش‌های این فضا را به شکلی اثرگذار کاوش کند، بلکه به اثری شعاری و ناکارآمد بدل می‌شود که مخاطب را در سردرگمی رها می‌کند. این ناکامی، فرصتی است برای تأمل در آثار موفق‌تری که توانسته‌اند با ظرافت و عمق، به مسائل فضای مجازی و تأثیرات آن بر جامعه بپردازند. در این نوشتار، در وهله نخست نگاهی به «گوزن‌های اتوبان» به عنوان نمونه‌ای

فردی و ساختارهای اجتماعی به تصویر بکشد. با این حال، بسیاری از آثار سینمایی در این حوزه، از جمله فیلم ایرانی «گوزن‌های اتوبان» به کارگردانی ابوالفضل صفاری، مجازی‌به‌بخش‌جاذبی‌ناپذیر از زندگی روزمره تبدیل شده‌اند، مدیوم سینما بارها کوشیده است تا تأثیرات عمیق و چندوجهی این پدیده را بر روابط انسانی، هویت

در عصر دیجیتال که شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی به‌بخش‌جاذبی‌ناپذیر از زندگی روزمره تبدیل شده‌اند، مدیوم سینما بارها کوشیده است تا تأثیرات عمیق و چندوجهی این پدیده را بر روابط انسانی، هویت



آراز مطلب‌زاده

گوزن‌های اتوبان؛ چگونه فرصت نقد فرهنگ دیجیتال را هدر دهیم؟

پرسش‌هایی بی‌پاسخ و حس ناکامی عمیق رها می‌کند. از منظر کارگردانی، صفاری در خلق برخی لحظات بصری موفق عمل کرده اما این جذابیت‌های بصری در غیاب روایتی منسجم و محتوایی غنی، به پوسته‌ای تهی بدل می‌شوند. استفاده از نمادهایی چون «توبان» برای تصمیم‌های شتاب‌زده و «گوزن‌ها» برای انسان‌های بی‌پناه در زیست‌بوم دیجیتال، که ظاهراً قرار بود لایه‌ای استعاری به فیلم بیفزاید، به دلیل فقدان پشتوانه دراماتیک، به عناصری تزئینی و شعاری تقلیل یافته است. افزون بر این، انتخاب‌های ناسازگار مانند استفاده از لوکیشن‌های غیرضروری یا نمایش‌های تبلیغاتی (مانند تأکید بیش از حد بر برندهای فست‌فود) به حس غیرواقعی بودن اثر دامن زده و تمرکز مخاطب را از مضمون اصلی منحرف می‌کند.

در مجموع، «گوزن‌های اتوبان» با وجود بهره‌مندی از سوزهای پرروز و پتانسیلی برای نقد فرهنگ دیجیتال و تأثیرات آن بر جامعه ایرانی، به دلیل فیلمنامه‌ای ناپخته، روایتی سرگردان و ناتوانی در تعمیق مضامین، نه‌تنها در بازنمایی چالش‌های پیچیده فضای مجازی ناکام می‌ماند، بلکه به اثری تبدیل می‌شود که بیش از آنکه تأمل‌برانگیز یا روشنگرانه باشد، مخاطب را با حس سردرگمی و ناکامی تنها می‌گذارد. این فیلم، فرصتی از دست رفته در سینمای اجتماعی ایران است که ایده‌های جذاب را در چنبره ضعف‌های ساختاری و فقر محتوایی هدر می‌دهد.

به دلیل نبود پیوستگی و انگیزه‌های دراماتیک متقن، به لحظاتی تصنعی و فاقد کارکرد بدل می‌شوند. فیلم در به تصویر کشیدن تأثیرات مخرب فضای مجازی، به جای کندوکاو در ریشه‌های اجتماعی و روان‌شناختی معضلاتی چون اعتیاد به شهرت یا تخریب روابط انسانی، به نمایش‌های کاریکاتوری و اغراق‌آمیز از اینفلوئنسرها و فرهنگ دیجیتال بسنده می‌کند. این رویکرد سطحی که فاقد هرگونه تحلیل ساختاریافته است، فیلم را از ارائه دیدگاهی عمیق درباره تأثیرات شبکه‌های اجتماعی بر جامعه ایرانی محروم می‌سازد. به عنوان مثال، تلاش فیلم برای اشاره به تضاد طبقاتی یا بحران‌های نسلی، به دلیل فقدان پیکربندی دراماتیک مناسب، به شعرابهایی کلیشه‌ای و فاقد اثرگذاری تقلیل می‌یابد.

پایان‌بندی فیلم که مبهم و ناتمام است، نه‌تنها گره‌های روایی را حل نمی‌کند، بلکه به دلیل نبود زیرساخت‌های روایی لازم، به تجربه‌ای ناکام و خنثی بدل می‌شود. این پایان‌بندی که فاقد هرگونه وضوح دراماتیک یا پیوستگی مفهومی است، مخاطب را با



روان‌شناسی و جامعه‌شناسی سوزه قصد دارد تأثیرات مخرب فرهنگ اینفلوئنسری و فضای مجازی بر روابط انسانی و ساختار اجتماعی ایران معاصر را به چالش بکشد اما به نظر نمی‌رسد در این زمینه چندان موفق باشد. داستان حول محور عابِس، پیک موتوری یک فست‌فودفروشی می‌چرخد که به طور اتفاقی در تعقیب و گریزی با یک اینفلوئنسر اینستاگرامی درگیر می‌شود. ویدئوی این درگیری به‌سرعت در فضای مجازی وایرال شده و عابِس را به شهرتی ناخواسته می‌رساند. در این میان رامین، کارگردانی که محتوای صفحات اینفلوئنسرها را تولید می‌کند، به عابِس و همسرش صبا پیشنهاد همکاری برای تولید محتوا می‌دهد. این پیشنهاد، زندگی روزمره و ساده این زوج را به سوی تجربه‌ای پرزرق‌وبرق از شهرت و ثروت سوق می‌دهد اما به‌تدریج این تحول به تلاطم، سردی و فروپاشی پیوندهای عاطفی‌شان منجر می‌شود. فیلم با یک پایان‌بندی مبهم، ناتمام و فاقد وضوح دراماتیک به پایان می‌رسد که نه‌تنها گره‌های روایی را باز نمی‌کند، بلکه مخاطب را در خلأ معنایی رها می‌سازد.

ایده محوری فیلم، یعنی نقد تأثیرات افسارگسیخته شبکه‌های اجتماعی بر روابط انسانی، تضاد طبقاتی و بحران‌های نسلی، پتانسیلی قابل‌توجه برای خلق اثری تأثیرگذار داشت اما «گوزن‌های اتوبان» در تبدیل این ایده به روایتی منسجم و عمیق به‌کلی ناکام است. فیلمنامه، فاقد عمق تحلیلی لازم برای کاوش در پیچیدگی‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناختی عمیق، نشان می‌دهد که چگونه شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به ابزارهایی برای کنترل، انزوی اجتماعی و حتی خشونت تبدیل شوند. این

سریال چندین جایزه امی، از جمله بهترین فیلم تلویزیونی و بهترین فیلمنامه، دریافت کرده و به دلیل نوآوری در روایت و نقد فناوری، مورد تحسین گسترده قرار گرفته است. موفقیت «آینه سیاه» در ترکیب داستان‌گویی خلاقانه با هشدارهایی درباره آینده دیجیتال، آن را به یکی از تأثیرگذارترین آثار در این حوزه تبدیل کرده است.

Black Mirror (2011)



جامعه‌شناسی و روان‌شناختی عمیق، نشان می‌دهد که چگونه شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به ابزارهایی برای کنترل، انزوی اجتماعی و حتی خشونت تبدیل شوند. این

سریال آنتولوژی «آینه سیاه»، ساخته چارلی بروکر، یکی از پیشگام‌ترین آثار در نقد فناوری و فضای مجازی است که هر اپیزود آن با داستانی مستقل، جنبه‌ای از تأثیرات تاریک فناوری‌های دیجیتال را کاوش می‌کند. اپیزودهایی مانند «Nosedive» (با بازی برایس دالاس هاوارد) به‌طور خاص به فرهنگ امتیازدهی در شبکه‌های اجتماعی و فشار برای تأیید اجتماعی می‌پردازند، در حالی که اپیزودهایی مانند «Hated in the Nation» (با بازی کلی مک‌دونالد) به تأثیرات منفی هشتک‌ها و حملات آنلاین پرداخته‌اند. این سریال با بهره‌گیری از بازیگرانی چون دنیل کالویا، چون هام و مایلی سایرس و کارگردانی اپیزودهای متنوع توسط کارگردانان برجسته، توانسته است روایت‌هایی دیستوپیایی و در عین حال واقع‌گرایانه خلق کند. «آینه سیاه» با تحلیل‌های

The Circle (2017)



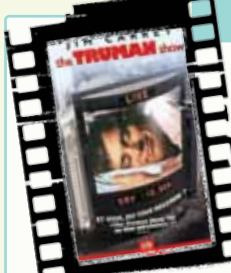
انتقادات متهم کرده‌اند اما تصاویر بصری جذاب و مضمون جسورانه‌اش، آن را به اثری قابل‌تأمل تبدیل کرده است. این فیلم در جشنواره‌های مختلف مانند جشنواره فیلم تریسکا نمایش داده شد اما موفقیت تجاری با جایزه قابل توجهی کسب نکرد. با این حال، «دایره» به دلیل طرح موضوعاتی مانند داده‌کاوی و سلطه شرکت‌های فناوری، همچنان در بحث‌های مربوط به فضای مجازی مورد توجه است.

Searching (2018)



می‌پردازد. این فیلم در جشنواره ساندنس ۲۰۱۸ جایزه تماشاگران را برد و به دلیل نوآوری در فرم و داستان‌گویی، مورد تحسین قرار گرفت. موفقیت تجاری و انتقادی «جست‌وجو» نشان‌دهنده توانایی سینما در استفاده از فرم‌های جدید برای نقد فناوری است.

The Truman Show (1998)



به نقد فرهنگ دیده شدن پرداخته است. «همایش ترومن» نامزد ۳ جایزه اسکار (بهترین کارگردانی، بهترین فیلمنامه و بهترین بازیگر مکمل) شد و جوایز متعددی از گلدن گلوب و بفتا دریافت کرد. تأثیر ماندگار این فیلم در بحث‌های مربوط به فضای مجازی، آن را به اثری کلاسیک تبدیل کرده است.

The Social Network (2010)



بر تناقضات اخلاقی، مانند سوءاستفاده از داده‌ها و نقض حریم خصوصی، تصویری چندلایه از تأثیرات فضای مجازی ارائه می‌دهد. این اثر در سال ۲۰۱۱ برنده ۳ جایزه اسکار (بهترین فیلمنامه اقتباسی، بهترین تدوین و بهترین موسیقی متن) شد و در ۸ رشته دیگر نامزد بود. همچنین جوایز متعددی از گلدن گلوب، بفتا و جشنواره‌های دیگر دریافت کرد و به عنوان یکی از بهترین فیلم‌های دهه ۲۰۱۰ شناخته می‌شود. «شبکه اجتماعی» با ترکیب کارگردانی استاندارد، فیلمنامه‌ای هوشمندانه و مضمونی عمیق، استاندارد برای نقد فرهنگ دیجیتال در سینما ارائه کرده است.

Eighth Grade (2018)



مجازی را به شکلی ملموس بازنمایی کند. این فیلم در جشنواره ساندنس ۲۰۱۸ مورد تحسین قرار گرفت و جوایزی مانند جایزه بهترین کارگردانی اول از انجمن کارگردانان آمریکا و جایزه بهترین فیلم از انجمن منتقدان فیلم بوستون را دریافت کرد. موفقیت «کلاس هشتم» در به تصویر کشیدن تجربه زیسته نسل دیجیتال، آن را به یکی از آثار برجسته در این حوزه تبدیل کرده است.

Ingrid Goes West (2017)



شکلی سرگرم‌کننده و تأمل‌برانگیز نشان دهد. «اینگرید به غرب می‌رود» در جشنواره ساندنس ۲۰۱۷ بهترین فیلمنامه را دریافت کرد و مورد تحسین منتقدان قرار گرفت. این فیلم با ترکیب طنز و ترازدی، یکی از بهترین نمونه‌های نقد فرهنگ اینفلوئنسری است.

Don't Look Up (2021)



نقد تأثیرات منفی فضای مجازی تبدیل شد. این فیلم نامزد ۴ جایزه اسکار، از جمله بهترین فیلم و بهترین فیلمنامه شد و در جشنواره‌های مختلف مورد توجه قرار گرفت. موفقیت این فیلم در ترکیب طنز و نقد اجتماعی، آن را به اثری تأثیرگذار در این حوزه تبدیل کرده است.

فیلم «به بالا نگاه نکن» به کارگردانی آدام مک‌کی، با بازی لئوناردو دی‌کاپریو، جنیفر لارنس و مریل استریپ، اگرچه در ظاهر درباره یک فاجعه زیست‌محیطی است اما نقدی تند و تیز بر فرهنگ رسانه‌های اجتماعی و تأثیر آن بر مدیریت بحران ارائه می‌دهد. این فیلم نشان می‌دهد که چگونه شبکه‌های اجتماعی با پراکندن اطلاعات نادرست و اولویت دادن به سرگرمی بر حقیقت، به‌طوری‌عمدی و سردرگمی اجتماعی دامن می‌زنند. با طنزی گزنده و بازیگرانی چون جونا هیل و تیموتی شالامی، «به بالا نگاه نکن» به یکی از آثار برجسته در